

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره سی و یکم، زمستان ۱۳۹۶

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸، شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۹ - پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۹

<http://jupm.miau.ac.ir/>

صص ۲۶۷-۲۹۸

تحقق مفهوم قرآنی و روایی حقوق در شهرسازی و طراحی مسکن

حامد حیاتی* : مدرس گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

علی رضا زارع: دانشجوی دکترای شهرسازی، عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز-ایران.

احمد امین‌پور: دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

رامین مدنی: استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

دین اسلام دینی فراگیر و جامع در تمام عرصه‌ها محسوب می‌شود که هدف آن سعادت بشر و هدایت او در مسیر کمال می‌باشد. مکتب اسلام دینی است که مسائل مادی بشر را با معنویات پیوند زده و هیچگاه این دو مقوله را از همدیگر جدا ندانسته است. قرآن مهمترین منبع استنباط احکام به شمار می‌رود و احکام موضوعات جدید با بهره‌گیری از عموماً و اطلاقات آیات قابل استنباط است و احادیث مربوط، مصادیقی از آنها را ذکر کرده‌اند و آنها را تخصیص نزده و مقید نساخته‌اند. در مقاله حاضر با رجوع به قرآن و روایات، تجلی اصل «لاضرر و لااضرار» به عنوان مهم‌ترین اصل حقوق، در معماری مسکونی و شهری، بررسی شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتوای کیفی است و تحلیل‌های مربوط به بناها با روش استدلال منطقی صورت گرفته است. در جمع‌آوری اطلاعات از اسناد و متون تاریخی، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. در این مقاله به منظور بررسی اصول حقوقی همچون لاضرر و لااضرار در معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، نمونه‌هایی از خانه‌ها و بافت‌های سنتی به روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل بیان‌کننده این موضوع است که این اصل به عنوان مهم‌ترین اصل مرتبط با حقوق، در تمامی ابعاد معماری خانه‌های ایرانی-اسلامی تأثیر گذاشته است. این تأثیرات برگرفته از مفهوم حقوق اسلامی است که شامل رعایت حقوق همسایگی، حقوق زن، حقوق والدین و فرزندان، حقوق مهمان و حق ساخت و ساز در معماری بناها در نظر گرفته شده است. اصول دیگری چون مسأله حریم خصوصی و عمومی و محرمیت احترام به دیگر افراد نظیر همسایگان و عابران، رعایت حق شفعه، احترام به حقوق همسایگان در استفاده از منابع عمومی نظیر آب، نور آفتاب و ... رعایت پاکیزگی و عدم آسیب رساندن به همسایگان و دیگر افراد از نظر بصری، صوتی و ... همگی جزو اصولی هستند که در فقه اسلامی رعایت آن ضروری است و تمام این مسائل در شهر و خانه‌های ایرانی-اسلامی رعایت شده است.

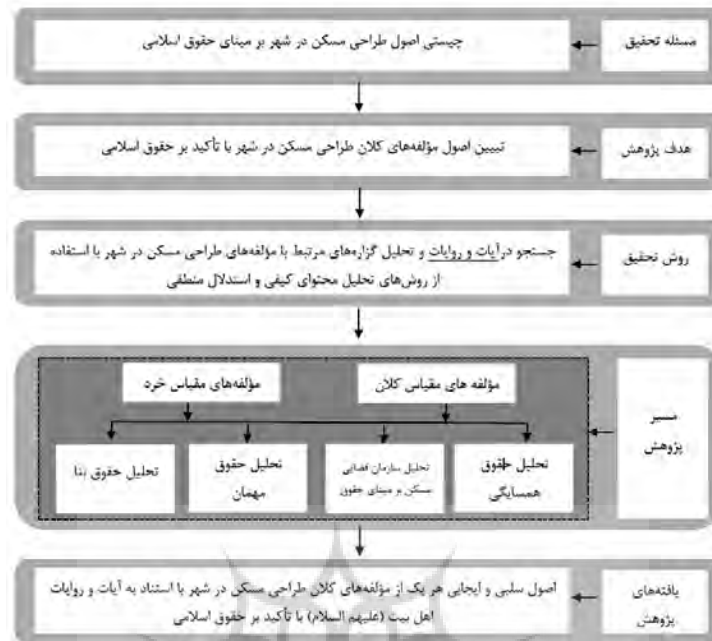
کلمات کلیدی: حق، حقوق، شهرسازی، مسکن، معماری اسلامی، آیات و روایات.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

گسترش شهرها و شهرنشینی که در نتیجه انقلاب صنعتی و تحولات بعد از آن پدید آمد، هر روز سرعت بیشتری پیدا کرده و فرآیند شهرنشینی مدرن الگوی اجتماعی متفاوتی را از نظر مسکن و خانه‌سازی، پیش روی انسان مدرن و انسان معاصر نهاده است (بمانیان: ۱۳۹۰، ۸۹). اما تحولات مدرنیته و تأثیرات آن بر الگوی سکونت آدمی، فقط محدود به بعد کمی افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش خانه‌ها و سکونت‌گاه‌های آدمی نبوده، بلکه مهم‌تر از آن، مدرنیته و فرایندهایش کیفیت خانه و مسکن انسان مدرن و معاصر را به شدت متأثر ساخته است (فاضلی: ۱۳، ۷۸). این تحول، حقوق و ارزش‌های انسانی را که در معماری ایرانی - اسلامی در تمام ابعاد آن به اوج رسیده بود، نادیده گرفته است (بمانیان: ۱۳۹۲، ۸۹). با رجوعی دوباره به معماری سنتی ایرانی - اسلامی و بازشناسی دوباره نقش آن در رعایت حقوق بر مبنای آیات قرآن و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) می‌توان ارز شهابی که معماری مدرن در ایران نادیده گرفت، بار دیگر به معماری و زندگی انسانی بازگرداند. با ژرفکاوی آموزه‌های اسلامی، نکات مهمی راجع به برخی از فضاهای زیست انسان قابل استنباط است که شهر و مسکن در این خصوص دارای جایگاهی ویژه می‌باشد؛ به نحوی که آموزه‌های اسلامی (شامل آیات و روایات) اشارات متعددی (اعم از اشارات مکنون یا صریح) به این کاربری و ریزفضاهای آن کرده‌اند لیکن

این ظرفیت متون دینی، تاکنون به طور شایسته در مجامع علمی معماری مورد توجه قرار نگرفته است (حیاتی: امین‌پور و مدنی، ۱۳۹۶). مسأله حقوق در معماری و شهرسازی، از جمله مسائلی است که در اسلام بسیار به آن توجه شده و بر رعایت کرامت و ارزش‌های انسانی بسیار تأکید شده است. اصل لاضرر و لاضرار به عنوان مهمترین اصل مرتبط با عدل و حقوق شهروندی در معماری مسکونی ایرانی - اسلامی نموده‌های بسیاری داشته و منابع اصلی آن قرآن و احادیث بوده است. این منابع بر تحویل سیستم ارزشی به فرم شهری و طراحی بسیار تأکید کرده‌اند (سلیم حکیم: ۱۳۸۱، ۳۶۱). هدف اصلی این مقاله، پاسخ به این پرسش است که حقوق بر مبنای آیات قرآن و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مؤثر بر معماری و شهرسازی کدام است؟ و چگونه بر معماری اسلامی تأثیر گذاشته و نمود آن در خانه‌های ایرانی عهد اسلامی چگونه است؟ پاسخ به این پرسش، به منظور استفاده از اصول به کار رفته در معماری سنتی و کاربرد آن در معماری امروز، ضروری است. بدین منظور آیات و احادیث مرتبط با ریشه‌های اصول و قوانین ساختمانی در اسلام، جمع‌آوری شد. سپس با بررسی آیات و احادیث، نحوه کاربرد آن در معماری مسکن و ساخت و ساز شهری در محل‌های اسلامی با رعایت حقوق مشخص شده است. در انتها نیز ارزیابی حاصل از تحلیل نمونه‌ها به عنوان راهبردهای طراحی مسکن ارائه شده است.



نمودار ۱- ساختار اصلی پژوهش

۱-۲- پیشینه پژوهش

مسکن مطلوب از منظر اسلامی پرداخته است. استخوان‌بندی و شاکله اصلی این کتاب، سه بخش اصلی است که هر کدام مشتمل بر سه فصل است. این سه بخش اصلی با عناوین بودها (نمونه‌های تاریخی)، هست‌ها (نمونه‌های معاصر) و باید‌ها (نمونه‌های ایده-آل و برخی توصیه‌ها) ارائه شده است که فصل نهم این کتاب (در بخش باید‌ها) به طور خاص به چگونگی تدوین مبانی نظری طراحی مسکن با توجه به آموزه-های اسلامی پرداخته است (نقی‌زاده، ۱۳۸۷). یکی دیگر از پژوهش‌های مهم و مؤثر در پیشینه این تحقیق، کتاب «معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی؛ مطلوبیت‌های اسلام درباره مسکن» تألیف رحیم قربانی است که در فصل دوم این کتاب تحت عنوان «مسکن مطلوب اسلام» معیارهای متعددی برای طراحی ابنیه مسکونی مبتنی بر متون دینی و به ویژه روایات ارائه

طبق بررسی نگارنده، تاکنون پژوهش‌های مشابهی که دقیقاً متمرکز بر مسئله این پژوهش (چستی اصول طراحی مسکن از منظر حقوق اسلامی) باشد انجام نشده است اما پژوهش‌هایی در خصوص کلیات مسکن و مؤلفه‌ها و جوانب دیگر آن از منظر آموزه‌های اسلامی انجام شده است که از اهم آنها می‌توان به برخی آثار محمد نقی زاده اشاره نمود. ایشان در مسکن ایرانی، مبانی نظری تا جلوه‌های (مقاله‌ای با عنوان به معرفی برخی ویژگی‌های مسکن) عینی در گذشته و حال در متون اسلامی (نظیر امنیت، آرامش و غیره) و تطبیق آنها بر وضعیت معاصر مسکن ایرانی پرداخته است (نقی‌زاده: ۱۳۹۲، ۶۷-۴۷)، و در پژوهشی دیگر با عنوان (شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات) ضمن تبیین اصول و مبانی معماری و شهرسازی اسلامی به موضوع

شده است (قربانی: ۱۳۹۳، ۱۳۰). اما اغلب این اصول با طراحی مسکن براساس عدل ارتباط مؤثری ندارند. محققان دیگری نظیر هشام مرتضی، سلیم حکیم، بمانیان و امین‌پور و حیاتی و غیره نیز به اصول مختلف معماری مسکن از منظر اسلامی (شامل هویت، حریم و محرمیت، نفی اشراف بصری و همسایگی و غیره) پرداخته‌اند (امین‌پور و حیاتی: ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶). اما وجه تمایز این مقاله و در واقع بداعت پژوهش حاضر در این است که پژوهش‌های فوق‌الذکر به مسکن اسلامی به طور عام پرداخته‌اند و هیچ یک از آنها بر طراحی مسکن متعادل براساس حقوق (به عنوان یکی از مهمترین اصول مؤثر بر نظام هستی) متمرکز نشده‌اند و اغلب به ارائه اصول یا راهکارهای عام طراحی مسکن پرداخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است با استناد به ادله قرآنی و روایی به این خلأ پرداخته شود و برای مؤلفه‌های کلان طراحی مسکن، اصولی مبتنی بر متون دست اول دینی استنتاج شود.

۱-۳- حقوق چیست؟

امروزه واژه «حقوق» استعمالات و کاربردهای متفاوتی دارد. این کاربردها و معانی گوناگون هرچند بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند، ولی از برخی جهات از یکدیگر متمایزند:

۱- «حقوق» به معنای دست مزد و حق الزحمه: مثلاً، گفته می‌شود: «حقوق کارمندان دولت». منظور از آن دست مزدی است که این افراد به طور ماهانه از دولت دریافت می‌کنند.

۲- «حقوق» عبارت است از: مجموعه قواعد و مقرراتی که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین به کاربرده می‌شود. به دیگر سخن، حقوق مجموعه‌ای از بایدها و

نبایدهایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آن را به عهده دارد؛ مانند: حقوق ایران، حقوق مصر. تقریباً همه جوامع انسانی از گذشته تاکنون به نوعی با این الزام‌های حقوقی همراه بوده‌اند. در این معنا، از نظر اسلامی، واژه «شرع و شریعت» به کار می‌رود؛ چنان که می‌گویند: شرع اسلام (لنگرودی: ۱۳۷۱، ۱۲) «به دلیل آن که از دیدگاه اسلامی، منشاء حق، خداوند متعال است، در تعریف «حقوق» گفته شده است: «حقوق عبارت از است: مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد» (جوادی آملی: ۱۳۷۵، ۷۵).

۳- «حقوق» جمع کلمه «حق»؛ بنابراین، «حقوق» به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می‌شود؛ مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و حق زوجیت (کاتوزیان: ۱۳۷۷، ۴۳).

در این حالت، واژه «حق» از نظر ادبی حالت جمعی داشته و از نظر معنا نیز جمع می‌باشد، در حالی که «حقوق» در اصطلاح دوم، تنها از نظر ادبی و ظاهر دارای حالت جمعی است و از نظر مفهوم، دارای حالت «اسم جمع» می‌باشد.

۴- «حقوق» به معنای «علم حقوق» که منظور از آن «دانش حقوق» است و در مقابل سایر علوم و دانش‌ها به کار می‌رود؛ مانند: علم روان‌شناسی و علم جامعه‌شناسی. در اسلام، در این معنا واژه «فقه» را به کار برده‌اند. کسی که این دانش را دارد، او را «فقیه» می‌نامند (لنگرودی: ۱۳۷۱، ۱۳).

۱-۴- «حق» در لغت

لغت نامه دهخدا معانی متعددی برای این واژه ذکر می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال (دهخدا، ص ۹۱۴۳).

و فرهنگ المنجد نیز برای واژه «حق» چند کاربرد و معنا ذکر می‌کند که برخی از آن از این قرار است: ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، حزم، سزاوار (لویس معلوف، ص ۱۴۴).

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌گردد که «حق» واژه‌ای عربی است که به معنای «ثبوت» و «تحقق» است و وقتی می‌گوییم: چیزی تحقق دارد، یعنی ثبوت دارد (مصباح: ۱۳۸۰، ۸۰)؛ و گاه معادل آن در زبان فارسی «هستی پایدار» به کار برده می‌شود؛ یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد، حق است (جوادی آملی: ۱۳۷۵، ۷۵).

۱-۵- حق در اصطلاح

پس از بیان معنای لغوی حق، این پرسش مطرح می‌شود که «حق در اصطلاح» دارای چه معنا یا تعریفی است؟ اینک به ذکر چند تعریف اصطلاحی این واژه می‌پردازیم:

الف- حق در اصطلاح فقه: «در فقه اهل سنت، از حق تعریف نشده است» (مدرسی: ۱۳۷۳، ۲۷) «فقه‌های شیعه تعاریف گوناگونی از آن بیان داشته‌اند. میرزای نائینی در تعریف آن می‌گوید: «حق عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت» (نائینی: ۱۴۱۸ ق، ۱۰۶).

همچنین گفته شده است: «حق عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق با قانون بر انسان دیگر، یا بر یک مال و یا بر هر دو، اعم از این که مال مذکور مادی و محسوس باشد؛ مانند خانه، یا نباشد؛ مانند طلب» (لنگرودی: ۱۳۷۱، ۱۲).

ب- حق در اصطلاح حقوق: در تعریف «حق» نظرات گوناگونی وجود دارد. «حق عبارت است از: سلطه، توانایی و امتیازی که به موجب قانون یا قواعد حقوقی، به اشخاص نسبت به متعلق حق داده می‌شود که به موجب آن می‌توانند در روابط اجتماعی خویش، اراده خود را به یکدیگر تحمیل کنند و آنان را به رعایت و احترام آن الزام نمایند». «متعلق حق» گاهی یک شیء خارجی است و گاهی یک انسان و گاهی هم هر دو. ضمناً در هر حقی، سه رکن یا عنصر اساسی یافت می‌شوند:

۱- کسی که حق برای اوست (من له الحق).

۲- کسی که حق علیه اوست (من علیه الحق).

۳- آنچه متعلق حق است (موضوع حق) (همان، ۱۵).

۱-۶- اقسام حق

پس از بیان تعریف «حق»، به اقسام حق می‌پردازیم. حق به اعتبار متعلق خود دارای اقسام گوناگونی است که در ذیل به موارد مهم آن اشاره می‌کنیم.

حقوق مربوط به شخصیت، از شخصیت جسمی و نیز از شخصیت معنوی و روحی انسان حمایت می‌کند و از این نظر می‌توان آن‌ها را به دو قسم تقسیم کرد: الف) حمایت از شخصیت جسمی انسان: قانونگذار از شخصیت جسمی انسان حمایت کرده و حقوقی را

جدول ۱- تعاریف مربوط به انواع حق، مأخذ: (امامی، ص ۱۳۵)

تعریف	نوع حق
حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور به منظور تأمین نیازهای مالی اشخاص به آن‌ها می‌دهد.	حق مالی
حقی است که یک فرد نسبت به عین خارجی دارد که کامل‌ترین آن «حق مالکیت» است، اعم از حق مالکیت نسبت به عین یا منفعت.	حق عینی
برخی حقوق نسبت به حقوق دیگر از امتیاز تقدم و رجحان برخوردارند. از آثار حق عینی، تقدم آن بر حق دینی است که «صاحب حق می‌تواند نزد هرکس آن را بیابد، استرداد آن را بخواهد».	حقوق تقدم و تعقیب
حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد.	حق معنوی
«حق مربوط به شخصیت» حقی است که به هر انسان (با قطع نظر از وابستگی او به گروه اجتماعی خاص) تعلق دارد و بیش‌تر از شخص انسان حمایت می‌کند تا منافع مادی او. به دیگر سخن، این حق به حفظ ذات و عرض انسان برمی‌گردد	حق مربوط به شخصیت
حقی است برای یک شخص که عقل آن رابطه را موجود می‌داند و مدیون را در مقابل وجدان و عقل مسؤول می‌شناسد، ولی قانون از آن حمایت نمی‌کند	حق طبیعی
حقی است که در مقابل تمامی افراد جامعه است و تمامی افراد مکلف به احترام به این حق هستند. تمامی اقسام حقوق عینی از این قبیل است.	حق مطلق

باره می‌گوید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون» (مدرسی: ۱۳۷۳، ۲۸).

۲- مبانی نظری

۲-۱- شهر اسلامی و حقوق شهروندی

معنای لغوی شهر عبارت است از مدینه، بلد و اجتماع خانه‌های بسیار که مردمان در آن سکنا می‌کنند. آبادی که بر خانه‌های بسیار و خیابان‌ها و میدان‌ها و بازارها مشتمل و دارای سازمان‌های اداری و انتظامی باشد

برای آن در نظر گرفته است. انسان بر تمامیت جسمی خود حق دارد و ایراد صدمه و ضرب و جرح و هرگونه تعرض جسمی به شخص ممنوع و موجب مسئولیت مدنی و کیفری است.

ب) حمایت از شخصیت معنوی و اخلاقی انسان: جنبه‌های غیرجسمی شخصیت آدمی نیز محترم و مورد حمایت قانونگذار هستند. در این جا، به یکی از مصادیق شخصیت معنوی و اخلاقی اشاره می‌شود: حق تمتع از زندگی خصوصی: مانند؛ حفظ حریم خصوصی افراد در محل زندگی، مصونیت نامه‌ها و مکالمات تلفنی از فاش شدن. قانون اساسی در این

(نقی زاده: ۱۳۸۵، ۵۶). قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین برای تشریح رویکرد اسلام در مورد ویژگی‌های شهر است (باوندیان، بی‌تا). واژه‌های «المدینه» ۱۴ مرتبه، «بلد» به سه صورت در مجموع ۱۴ مرتبه و «البلاد» ۵ مرتبه در قرآن آمده‌اند. در بضی آیات موضوع اصلی و پیام آیه به هیچ‌کدام از ویژگی‌های شهر ارتباط ندارد ولی تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم و با یکی از ویژگی‌های شهر و مراکز جمعیتی ارتباط دارند. خداوند متعال در دو نوبت، در خصوص حرمت شهر، به شهر سوگند یاد می‌کند: *إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ أَمْرٌ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ* (سوره نمل، آیه ۹۱)، (من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را - که خداوند آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست پرستش کنم و امر شده‌ام که از مسلمانان باشم). *لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ* (سوره البلد، آیه ۱ و ۲)، (قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای). در این آیات - در شهر مکه نازل شده است مشاهده می‌شود که شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند. شهر تجلی‌گاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان‌بینی سازنده‌ی خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلس برای خود قائل هستند گواهی می‌دهد (نقی زاده: ۱۳۸۵، ۵۸). شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی (مطابق با ارزش‌های اسلامی) تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد. معماری و شهرسازی اسلامی، مشتمل بر مبانی نظری مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی

و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و در بردارنده‌ی عوامل مهم فرهنگ ملی هستند که با آنها در تضاد و تناقض نباشند (همان، ۸). شهروند از مشتقات شهر است. در لغت‌نامه دهخدا، شهروند «اهل یک شهر یا کشور» تعریف شده است و در ادامه توضیح داده است که پسوند «وند» در این واژه در گذشته «بند» بوده است. در واقع این واژه «شهربند» بوده (به معنای کسی که به شهری بند است) و باد گذشت زمان، بند به وند تبدیل شده است (پور طهماسبی: ۱۳۹۰، ۵). اما در مفهوم، شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت حمایت حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد (دستمالچیان: ۱۳۹۰، ۴). شهروندی را قالب پیشرفته‌ی شهرنشینی می‌دانند و برخی کارشناسان معتقدند شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارند و به مسئولیت‌های خویش احترام گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به شهروند ارتقا می‌یابند. در واقع شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جامعه حضور دارد و در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، شکل‌دهی آن مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر است (پور طهماسبی: ۱۳۹۰، ۵). حقوق شهروندی ناظر به حقوق فطری انسان است و سلب ناشدنی، غیرقابل تخلف است (دستمالچیان: ۱۳۹۰، ۴). این بدین مفهوم است که از نظر اصول اسلامی این مرتبط با حقوق فطری انسان است، و رعایت آن لازم است. مفهوم اصلی شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است (حمزه لوثی، بی‌تا).

حقوق شهروندی، حقوق انسان به جهت زندگی در اجتماعی معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند به گونه‌های متفاوت تعریف شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی است (بمانیان: ۱۳۹۰، ۹۰).

قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) الگوهای متفاوت رفتاری را در مورد رعایت حقوق افراد، نظیر حقوق همسایگان نسبت به همدیگر و یا رعایت حقوق زن و والدین در خانه و همچنین رعایت حقوق میهمان، تشریح نموده است، که در ذیل به برخی از آنها به همراه بیان تفسیر و احادیث مربوطه پرداخته می‌شود.

۲-۲- حقوق همسایگی در شهرسازی و طراحی مسکن

در سوره نساء آیه ۳۶ خداوند متعال می‌فرماید: *وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَمَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَأَيُّبٌ مِّنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا.*

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بینوایان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و یار هم‌نشین و در راه مانده و زیردستان و بردگانتان (نیز نیکی کنید). همانا خداوند، هر که را متکبر و فخر فروش باشد، دوست نمی‌دارد.

واژه «احسان» از ریشه «حُسن» به معنای زیبایی و نیکویی است (قاموس قرآن: جلد ۲، ص ۱۳۴). راغب در المفردات می‌گوید: حُسن، عبارت است از هر چیز

سرور آور و خوشایند (المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۳۵). البته تعبیر خوشایند بودن، در برگرنده نیکویی و زیبایی نیز هست. وی برای احسان دو مورد بیان می‌کند: ۱- خیر و نیکی رساندن به دیگران. ۲- انجام اعمال و رفتار صالح و نیک (همان، ص ۲۳۶). آیه فوق یک سلسله از **حقوق اسلامی** را اعم از حق خدا و حقوق بندگان و آداب معاشرت با مردم را بیان داشته است. و روی هم رفته، ده دستور از آن استفاده می‌شود: در این آیه منظور از "و الجار ذی القربی" توصیه به نیکی در حق همسایگان نزدیک می‌کند، در اینکه منظور از همسایه نزدیک چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی داده‌اند بعضی معنی آن را همسایگانی که جنبه خویشاوندی دارند دانسته‌اند به نظر ما منظور همان نزدیکی مکانی است زیرا همسایگان نزدیکتر حقوق و احترام بیشتری دارند، و یا اینکه منظور همسایگانی است که از نظر مذهبی و دینی با انسان نزدیک باشند. در این آیه منظور از "و الجار الجنب" سفارش درباره همسایگان دور است و همانطور که گفتیم، منظور از آن دوری مکانی است، زیرا طبق پاره‌ای از روایات تا چهل خانه از چهار طرف همسایه محسوب می‌شوند که در شهرهای کوچک تقریباً تمام شهر را در بر می‌گیرد. چون اگر خانه هر انسانی را مرکز دایره‌ای فرض کنیم که شعاع آن از هر طرف چهل خانه باشد، با یک محاسبه ساده درباره مساحت چنین دایره‌ای روشن می‌شود که مجموع خانه‌های اطراف آن را تقریباً پنج هزار خانه تشکیل می‌دهد که مسلماً شهرهای کوچک بیش از آن خانه ندارند (تفسیر نمونه: جلد ۳، ۳۸۱). جالب توجه اینکه قرآن در آیه فوق علاوه بر ذکر همسایگان نزدیک، تصریح به حق همسایگان دور

می‌کرد تا آنجا که گمان کردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد (وسائل الشیعه: جلد ۹، ص ۵۲، حدیث ۱۱۵۰۱).

از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) روایت شده است: آیا حق همسایه را می‌دانید؟ حقوق همسایه را جزء اندکی از مردم نمی‌دانند. آگاه باشید، کسی که همسایه‌اش از بیدادگری و آزار او در امان نباشد به خدا و روز قیامت ایمان ندارد... و دیوار خانه را چندان بلند نکند که همسایه را از نعمت هوای آزاد و نسیم باد محروم سازد مگر با اجازه او (مستدرک الوسائل: جلد ۸، ص ۴۲۴، حدیث ۹۸۷۸).

در روایت دیگر آمده است که حضرت فرمودند: آیا حق همسایه را می‌شناسید؟ ... خانه‌ات را چنان بلند نساز که او را از نعمت وزش باد و هوای آزاد محروم سازی... (کنز العمال، جلد ۹، ص ۵۸، حدیث ۲۴۹۳۵). براساس قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» مالک نمی‌تواند به گونه‌ای در ساخت و ساز عمل کند که موجب ورود خسارت به دیگران گردد (من لا یحضره الفقیه: جلد ۴، ۳۳۴). رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) در مورد همسایه مداری فرموده‌اند: همسایه خانه سزاوار به خانه همسایه است (نهج الفصاحه: حدیث شماره ۱۳۵۵، ص ۲۳۸). شما را (نسبت به) همسایه سفارش می‌کنم (نهج الفصاحه: حدیث شماره ۳۱۷۶، ص ۵۰۹). مقدار همسایه بودن تا چهل خانه است (نهج الفصاحه: حدیث شماره ۳۱۸۰، ص ۵۱۰).

۲-۳- تجلی اصل حقوق همسایگی در مسکن سنتی

و شهرسازی ایرانی-اسلامی

در هر جامعه بشری، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی وجود دارد که به وضوح در زندگی روزمره مردم بروز

کرده است زیرا کلمه همسایه معمولاً مفهوم محدودی دارد، و تنها همسایگان نزدیک را در بر می‌گیرد، لذا برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام راهی جز این نبوده که نامی از همسایگان دور نیز صریحاً برده شود. و نیز ممکن است منظور از همسایگان دور، همسایگان غیر مسلمان باشد، زیرا حق جوار (همسایگی) در اسلام منحصر به همسایگان مسلمان نیست و غیر مسلمانان را نیز شامل می‌شود. در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که در یکی از روزها سه بار فرمودند: به خدا سوگند چنین کسی ایمان ندارد ... یکی پرسید چه کسی؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که همسایه او از مزاحمت او در امان نیست! و باز در حدیث دیگری می‌خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارد باید به همسایگان خود نیکی کند و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: نیکی کردن همسایگان به یکدیگر، خانه‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند (تفسیر نمونه: جلد ۳، ص ۳۸۲). رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: همسایه سه طایفه‌اند: یکی آن که او را سه حق است بر تو: حق همسایه و حق قرابت و حق اسلام؛ و او خویشی است که همسایه باشد، چه او هم حق جوار و هم حق قرابت و هم حق اسلام دارد. دوم: همسایه‌ای که دو حق دارد: حق همسایگی و حق اسلام، و او همسایه مسلمان است. سوم: آنکه او را حق همسایگی فقط است، و او همسایه مشرک اهل کتاب باشد (تفسیر صافی: جلد اول، ص ۴۵۰). در احادیث نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: که جبرئیل (علیه السلام) همواره مرا به (رعایت حقوق) همسایه سفارش

اسلام بر تمام کسانی که در همسایگی یکدیگر هستند واجب می‌داند که نسبت به همدیگر مهربان، مؤدب، با احترام، قابل اعتماد و مفید بوده و در غم‌ها و شادی‌های یکدیگر سهیم باشند. اسلام از همسایگان می‌خواهد تا صمیمیت اجتماعی محکمی در بین خود برقرار کنند تا حدی که بتوانند بر یکدیگر تکیه نموده و هر کدام از آنها به دارایی، آبرو و زندگی خود را در بین همسایگان محفوظ بدارند (همان، ۵۲).

حقوق همسایه: امتیاز دیگری که اسلام برای همسایگان قائل می‌شود، حفظ حقوق آنان است، گرچه بایستی به خاطر داشت که رفتار محبت آمیز و روابط قوی اجتماعی با همسایگان، بخشی از همین حقوق است (همان، ۵۵). «واحد همسایگی» یا «زیرمحلّه» متشکل از تعدادی خانه است که معمولاً در فضایی بسیار محدود به اشتراک می‌رسند (منجزی، ۱۳۸۹، ۱۷). هر واحد همسایگی، حریم مخصوص به خود را دارد و دیگر همسایگان این حریم را رعایت می‌کنند. در واحد همسایگی، انتظار مادی خانوارها با اقتصاد آنها هماهنگی دارد و خانه‌ها، حداقل در ظاهرشان، با هم هماهنگ هستند. بنابراین حوزه نفوذ رعایت حقوق همسایگان، محلّه است. ارزش‌های اجتماعی به طرزی چشمگیر در این بخش پاسداری می‌شوند. از دو بخش متمایز خانه، بخش اندرونی دارای محرمیت بیش‌تری نسبت به بیرونی است. به طور ضمنی، بخش بیرونی آخرین بخش از زندگی اجتماعی است که در آن محدوده زندگی نیمه خصوصی به پایان می‌رسد. همسایگان هرگز به همدیگر آسیب نمی‌رسانند و اگر کسی ضرری دید، همگی در پی رفع آن ضرر بر می‌آیند. استفاده از منابع

می‌کنند. اسلام نیز با برخورداری از یک چهارچوب و با ساختار اجتماعی و با مجموعه کاملی از اصول، از این قائده مستثنی نمی‌باشد. از آنجا که ساختار و چهارچوب اجتماعی قادر است تمامی نژادها و طبقات اجتماعی و پیروان صلح‌جوی را در برگیرد، مذهبی منحصر به فرد است. اسلام، آرزوها و اشتیاق‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، قانون، و اقتصادی را به گونه‌ای واحد درهم می‌آمیزد تا نظم خاصی را در تمامی جنبه‌های زندگی مسلمانان به تصویر در آورد. قوانین و احکام شریعت نیز بر این چهارچوب و ساختار حکم فرما می‌باشد. اصل ساختار اجتماعی اسلام، شامل تعهدات و مسئولیت‌هایی است که مسلمانان بایستی در زندگی خود رعایت نمایند. این اصول آنچنان با هم پیوسته و یکپارچه هستند که تفکیک آنها از یکدیگر سخت و دشوار می‌باشد (مرتضی: ۱۳۸۷، ۴۱). اسلام به گونه‌ای استثنایی همسایه‌داری را به مثابه ستون فقرات امت می‌داند. و برای آن مجموعه‌ای از اصول اخلاقی در نظر گرفته است که به نوبه خود تکالیفی هستند که به بهبود و کنترل همسایه‌داری کمک می‌کنند. این اخلاق همسایه‌داری را در دو حالت می‌توان یافت: الف) روابط مستحکم همسایگی، و ب) حفظ حقوق همسایگان (همان، ۵۱).

روابط همسایگی: قرآن کریم همسایگان را بر سه قسم می‌داند: الف) همسایه‌ای که خویشاوند نیز هست، ب) همسایه‌ای که غریبه نیز هست، ج) همسایه‌ای که انسان به طور موقت یا اتفاقی برای مدت معینی با او سفر یا زندگی می‌کند. تمامی این همسایگان شایستگی همدردی، محبت، مهربانی، و رفتار عادلانه می‌باشند.

صلاح‌دید خود مجازات تعزیری (قطع درخت ماده نزاع) جعل نموده است.

اهمیت این حدیث در حمایت از حقوق (حریم خصوصی) منازل اشخاص با عنایت به حدیث نبوی «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» (ابن ابی جمهور: ۱۴۰۵ ق، جلد ۳) بیشتر معلوم می‌شود. اگرچه اسلام برای اموال افراد احترام فوق‌العاده‌ای قائل است و ضمن حمایت از مالکیت خصوصی، به مسلمانان توصیه می‌کند از اموال خویش دفاع نمایند، لکن در جایی که مالک بخواهد با نقض حریم خصوصی اشخاص به اموال خود سرکشی نماید، با اقتدار از چنین عملی جلوگیری می‌کند. از این روایت اینگونه استفاده می‌شود که در جایی که اشخاص به هر دلیلی در محیط منزل خصوصی سایر افراد دارای حقوقی هستند، در مرحله اجرای حق خود باید حقوق دیگران را نیز لحاظ نمایند و از جمله حقوق افراد، حق بر حریم خصوصی است. هرگونه سوء استفاده از حق در قالب نقض حریم خصوصی افراد ممنوع می‌باشد و با ناقض حریم خصوصی به شدت رفتار خواهد شد. اساس این مفهوم دلالت بر آن دارد که حقوق فرد باید به گونه‌ای اعمال گردد که زیانی متوجه دیگران نشود. متقابلاً دیگران نیز در اعمال حقوق خود طوری عمل نمایند که زیانی از تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان متوجه غیر نگردد (سلیم حکیم: ۱۳۸۱، ۳۸). در حدیث دیگری از حضرت محمد (ص) از آسیب نرساندن به همسایگان سخن گفته شده است (لایدخل الجنه من لا یأمن جاره بوائقه؛ کسی که همسایه‌اش از آسیب زند، او در امان نیست و به بهشت داخل نخواهد شد). مواردی نیز از مسائل شهرنشینی هستند که رسول خدا (ص) در

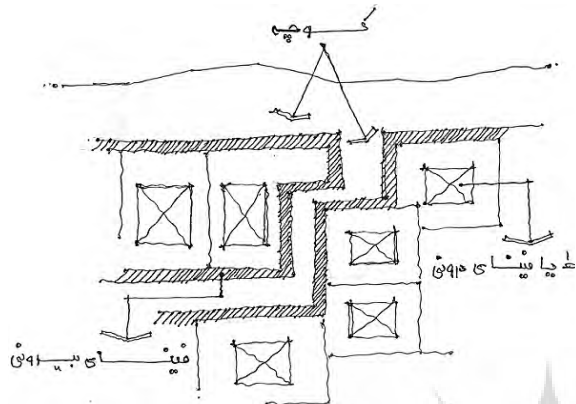
طبیعی مثل آب، استفاده از نور و غیره، حق همه همسایگان است و همه این حق را رعایت می‌کنند. این‌ها و بسیاری مسائل دیگر مواردی از رعایت حقوق همسایگی در محله‌ای از جامعه اسلامی است (بمانیان و همکاران: ۱۳۹۲، ۹۲).

۲-۳-۱- نمونه‌ای از قواعد

۲-۳-۱-۱- قاعده لاضرر و لاضرار

حدیث معروف «لاضرر و لاضرار فی اسلام» و شأن صدور این بیان از حضرت محمد(ص) یکی از بارزترین موارد حمایت از حقوق (حریم خصوصی) منازل اشخاص است. سمره بن جندب پس از فروش منزل خویش به یکی از صحابی، گاه و بیگاه به بهانه‌ی سرکشی به درخت نخل خرماي خود که در آن منزل وجود داشت به منزل صحابی تردد می‌نمود. صحابی از تردد‌های بی‌موقع و بدون اذن سمره ناراحت شده و به رسول خدا شکایت می‌کند. پیامبر اکرم(ص) ابتدا از سمره بن جندب می‌خواهد که برای هر دفعه ورود به منزل صحابی از وی یا اهل منزل اذن بگیرد؛ ولی سمره نمی‌پذیرد. پیامبر(ص) برای از بین بردن ریشه نزاع سمره را دعوت به معاوضه می‌نماید؛ لکن سمره قبول نمی‌کند و حتی حاضر نمی‌شود با صرفه‌نظر کردن از یک درخت نخل دنیایی، با ضمانت پیامبر اکرم(ص) در بهشت صاحب نخل‌های فراوان شود. پیامبر اکرم(ص) نیز برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری به ایشان دستور کردند و از بین بردن درخت را می‌دهند. در تحلیل چرایی حکم پیامبر به قطع درخت، باید قطع درخت را مجازات تعزیری دانست. پیامبر در واقع برای ورود بدون اذن سمره بن جندب که فعلی حرام بوده است بنا به

بستن موقت آنها در آن فضا (سلیم حکیم: ۱۳۸۱، ۶۹).
امروزه اتومبیل‌ها جایگزین چهارپایان شده و اصول
مزبور درباره اتومبیل صدق می‌کند.



شکل ۱- فینای درونی و بیرونی، مأخذ: (نگارنده)
در تصاویر زیر آنچه که با موضوع حقوق همسایگی
در اجتماع مسلمانان همانندی دارد گزینش شده و
سپس نحوه استفاده از این اصول برای ساخت و ساز
خانه در هر محله از جامعه مسلمان نوشته شده است.

مباحث مربوط به قاعده لاضرر و لاضرار به آن اشاره
و نهی فرموده‌اند؛ مثل حفر چاه در نزدیکی چاه
همسایه به گونه‌ای که موجب ضرر رساندن به آب
چاه همسایه شود، ساخت بنا به گونه‌ای که آفتاب و
مهتاب از خانه همسایه گرفته شود (سایه اندازی)،
آسیب رساندن به درختان و منابع طبیعی مشترک با
دیگر همسایگان به عنوان منابع عمومی مثل درختان
محله بر اثر شیوه استفاده از آنها.

فینا

فینا (تصویر زیر)، فضای عمومی متعلق به صاحب
خانه است. این واژه به حیاط داخلی یا فضای بیرونی
بلافاصل با دیوار یا دیوارهای بیرونی خانه اطلاق می-
شود. مفهوم ثانوی آن به استفاده موقت و روزانه
ساکنان خانه‌های مجاور، با عدم جواز اشغال فضا باز
می‌گردد. کاربردهای قابل قبول فینا عبارتند از:
بارگیری و تخلیه بار چارپایان (شتر، اسب، الاغ) و

قائده لاضرر و لاضرار- جلوگیری از مزاحمت برای دیگر
افراد

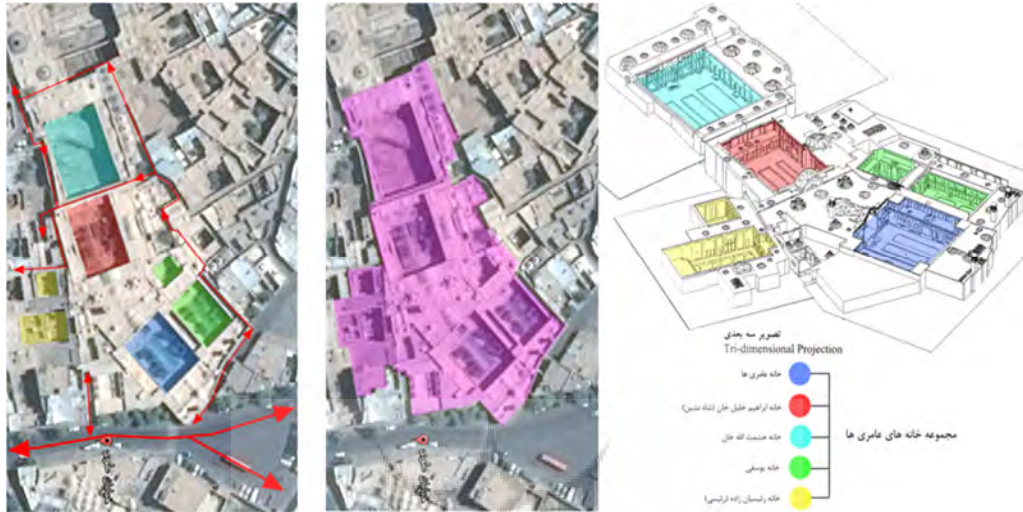
رعایت حقوق افراد و جلوگیری از آسیب و تجاوز به حریم



شکل ۲- رعایت حد و حدود هر فضا با توجه به ماهیت آن براساس حقوق همسایگی (رعایت حقوق
افراد و جلوگیری از آسیب و تجاوز به حریم دیگران)، مجموعه عمری‌ها، کاشان مأخذ: (نگارنده)

رعایت حریم زمین و حریم مالکیت همسایگی‌ها و حریم معابر در ساخت خانه

صداقت و درستی



شکل ۳- رعایت حریم مالکیت و حریم زمین همسایگی‌ها و حریم معابر براساس حقوق همسایگی (صداقت و درستی)، مجموعه عامری‌ها، کاشان مأخذ: (نگارنده)

هماهنگی ظاهری و باطنی خانه با دیگر خانه‌های همسایگی‌ها و به خصوص در نما

برابری و هماهنگی با دیگر افراد با گروه‌های جلوگیری از برتری جویی و فخرفروشی



شکل ۴- هماهنگی خانه با دیگر خانه‌های همسایگی‌ها براساس حقوق همسایگی (برابری و هماهنگی با دیگر افراد با گروه‌های جلوگیری از برتری جویی و فخرفروشی)، مجموعه عامری‌ها، کاشان مأخذ: (نگارنده)

جلوگیری از خساست و تفریط

جلوگیری از استفاده از مصالح و اجزای نامناسب به دلیل ارزان‌تر بودن و استفاده درست از امکانات و منابع.



شکل ۵- مرز تفکیک هر بنا نسبت به بنای دیگر و عدم افراط در ساخت فضاهای ساخته شده براساس حقوق همسایگی (جلوگیری از خساست و تفریط)، مجموعه عامری‌ها، کاشان مأخذ: (نگارنده).

در زمین در نظر گرفته شده، رعایت شود. ارزیابی تحلیل‌های انجام شده درباره نمود حقوق همسایگی با تأکید بر اصل لاضرر و لاضرار، در خانه‌های ایرانی- اسلامی، نشانگر این امر است که انسان، حقوق و ارزش‌های وی در تمام ابعاد معماری خانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. حفظ حریم افراد، محرمیت، کنترل دید و اشرافیت و فیئا، هماهنگی هر واحد مسکونی با دیگر واحدهای مسکونی مجاور، در اصول معماری جای گرفته است و در اصول فرهنگی مرتبط با حقوق افراد در خانه‌ها، حق شفعه، احترام به عابران و استفاده یکسان همه افراد از منابع طبیعی نظیر نور آفتاب، هوا، آب و ... است. خانه‌های تحلیل شده هر چند نمونه‌ی خانه‌های مسکونی طبقه مرفه دوره قاجار هستند، در هماهنگی کامل با خانه‌های طبقه متوسط

رعایت حقوق همسایگی به عنوان نمودی از آموزه‌های اسلامی در جامعه اسلامی، به عنوان الگویی در کالبد و بافت معماری و شهر، تأثیر گذاشته است؛ به گونه‌ای که این اعتقاد در هويت بخشی به محله‌های مسکونی و معماری آن به عنوان ساز و کار اصلی به کار رفته است. اصولی چون قاعده لاضرر و لاضرار، حق شفعه و بسیاری از اصول فقهی دیگر که در آموزه‌های اسلامی آمده‌اند، زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلاتی است که در صورت عدم رعایت آن وحدت محله‌ها و همسایگی‌ها از بین می‌رود و حقوق افراد زیر پا گذاشته خواهد شد. تمامی اصول اسلامی بر پایه‌ی رعایت حق انسان و در واقع «حق الناس» است تا حقی از انسانی گرفته نشود و حرمت و کرامت انسانی، آن گونه که در قرآن برای انسان به عنوان جانشین خداوند



شکل ۶- پیوستگی مجموعه واحدهای مسکونی به خصوص از بعد حجم، ارتفاع، و وحدت و هماهنگی و استفاده یکسان از مواهب طبیعی. بافت قدیم خانه‌های یزد، مأخذ: (نگارنده)

مجاور قرار دارند و این هماهنگی نشان دهنده رعایت حقوق همسایگان است. در نمونه‌های مورد بررسی، کنترل دید و اشراف به خوبی رعایت شده است و هیچ دید مستقیمی از بیرون به داخل فضای خانه‌ها و حتی حیاط مرکزی وجود ندارد. نمای خارجی فاقد پنجره رو به بیرون است و حتی فضای ورودی نیز با هشتی و راهرو هر گونه دید خارج به داخل را سد می‌کند. این وضع نشانگر رعایت حریمیت و حریم افراد در این خانه‌هاست. تزیین‌های ورودی بنا و سکوه‌های موجود در طرفین ورودی نیز نشان‌دهنده‌ی احترام به افراد و عابران است.

۲-۴- حقوق زن در مسکن

در سوره طلاق آیه ۶ خداوند متعال می‌فرماید: *أَسْكِنُوهُنَّ مِمَّنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أَوْلَىٰ حَمَلٍ فَلْيُفَقِّهْنَ عَلَيْهِنَّ فَتَأْتُوهُنَّ حَيْثُ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِن أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِئِنَّكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاَسَرْتُم فَسْتَرْضِعُوا لَهُنَّ أُجُورَهُنَّ*.

آنها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید، و در توانائی شما است، سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و هرگاه باردار باشند نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند، و اگر برای شما فرزند را شیر دهند پاداش آنها را بپردازید، و (درباره فرزندان کار را) با

مشاوره شایسته انجام دهید، و اگر بتوافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد.

در این آیه منظور از اُسْكُنُوهُنَّ: ساکن گردانید زنان مطلقه را، مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ: از آنجا که ساکن شده‌اید، مِنْ وَجْدِكُمْ: به قدر وسع و توانائی خود. تعبیر به "من وجدکم" مفهومی است که به مقدار توانائی و به اندازه غنای خود مسکن مناسب برای زنان مطلقه در نظر بگیرید. دقت و ظرافتی که در بیان احکام زنان مطلقه و حقوق آنها در آیات فوق به کار رفته، و حتی بسیاری از ریزه‌کاریهای این مسأله، در آیات قرآن، که در حقیقت قانون اساسی اسلام است، بازگو شده، دلیل روشنی است به اهمیتی که اسلام برای نظام خانواده و حفظ حقوق زنان و فرزندان قائل است. اسلام از طلاق تا آنجا که ممکن است جلوگیری می‌کند، و ریشه‌های آن را می‌خشکاند، اما هرگاه کار به بن‌بست کشید و چاره‌ای جز طلاق و جدائی نبود، اجازه نمی‌دهد، حقوق فرزندان و یا زنان در این کشمکش پایمال گردد، حتی طرح جدائی را طوری می‌ریزد که امکان بازگشت، غالباً وجود داشته باشد (تفسیر نمونه: جلد ۲۴، ص ۲۵۲). در آیه "اُسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ" منظور این است: جایی که مناسب شأن شما نیست آنها را سکونت ندهید، هر کس مطابق شأن و توانایی خود (تفسیر اطمینان: جلد ۱۷، ص ۵۸). سعد بن ابی خلف می‌گوید: از ابوالحسن امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) از حکمی در باب طلاق پرسیدم؟ آن حضرت فرمودند: ... زنی که شوهرش او را برای نخستین بار طلاق داده است تا زمانی که عده طلاق او تمام شود، می‌تواند در منزل شوهر بماند و تا پایان عده حق نفقه و مسکن دارد (کافی: جلد ۶، ص ۹۰).

حدیث ۵). هنگامی که امام علی (علیه السلام) با حضرت زهرا (علیها السلام) ازدواج نمودند، رسول خدا (صلی الله علیه و اله) به حضرت امیر فرمودند: یا علی خانه‌ای برای همسر خویش جستجو کن. امام علی (ع) جستجو کرد و خانه‌ای که فاصله چندانی با خانه‌ی پیامبر نداشت فراهم آورد (طبقات کبری: ترجمه محمود مهدوی دامغانی، جلد ۸، ص ۲۰). راوی در یک گزارش تاریخی می‌گوید: در دو نوبت مجزا وارد منزل امام باقر (علیه السلام) شدم؛ در نوبت اول، مرا به اتاقی مجلل برد و در نوبت دوم به اتاقی در نهایت سادگی. در نوبت دوم، از محضر ایشان درباره حکمت تفاوت این دو نوع اتاق پرسیدم و آن حضرت فرمودند: اتاق دیروزی اتاق بانوی خانه بود که با پول مهریه، آن امکانات را برای خودش فراهم کرده است و ما نیز مانعی برای او ایجاد نمی‌کنیم؛ و این اتاق که امروز آن را مشاهده کردی اتاق خودم است (کافی: جلد ۶، ص ۴۴۶). در روایت دیگری از امام سجاده (علیه السلام) آمده است که دو یار خواری حضرت (ابو خالد کابلی و یحیی ابن ام طویل) وارد خانه حضرت شدند و به دیدن اتاقی رفتند که چینش و طراحی آن اتاق با سلیقه و انتخاب همسر آن حضرت بوده است (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: جلد ۳، ص ۲۵۳). امام سجاده (علیه السلام) در دعای هفدهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: خدایا زنان با ایمان را در پناهی قرار بده که مانع دسترسی هر کس باشند و در قلعه‌ای قرار بده که نگهبان آنان باشد و در کهف و پناهی قرار بده که مانع از طمع بد خواهان باشند. براساس فتوای امام خمینی (قدس سره): زن، استحقاق دارد که مرد، او را در خانه‌ای که به حسب عادت، لایق و شایسته امثال

لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصْعُونَ فِي آيَاتِكُمْ مِّنَ الظُّهْرِ وَ مِّن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِّن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شماست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند عالم و حکیم است. و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند بزرگسالانی که قبلاً بالغ شده‌اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

موضوع این آیه، آداب ورود به جایگاه خصوصی پدر و مادر است. مهمترین مسأله‌ای که در این سوره، تعقیب شده مسأله عفت عمومی و مبارزه با هر گونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته، آیات مورد بحث نیز به یکی از اموری که با این مسأله ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می‌کند و آن مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و

اوست سکونت دهد و باید از اسباب و امکانات منزل آنچه بدان نیازمند است، داشته باشد. همچنین زن می-تواند از شوهر بخواهد که او را در مسکنی مستقل از دیگران- هوو باشد یا غیر آن- جای دهد؛ خواه آن مسکن، خانه مستقلی باشد یا اتاقی مستقل. همچنین تفاوتی نمی‌کند که خانه عاریه‌ای باشد یا استیجاری یا ملکی. مثلاً اگر زن از اهل بادیه و صحرائشین باشد، یک کوخ یا چادر مویین که مناسب حال اوست، کفایت می‌کند (تحریر الوسیله: جلد ۲، ص ۱۳، فصل نفقات).

جمع‌بندی روایات و پیام‌ها:

واژه «بُيُوتُكُنَّ» به معنای اتاق‌های شما زنان است. در دو جای قرآن در سوره مبارکه احزاب آیات ۳۳ و ۳۴ «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» و «وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ» از اتاق اختصاصی برای بانو یا بانوان صحبت می‌کند که بیانگر تفکیک بنایی و فضایی اتاق آنهاست. به تعبیر دیگر، تفکیک فضایی اتاق بانوان منزل لازمه بنایی دو آیه مزبور (یعنی ذکر بُيُوتِكُنَّ) است. لذا بنابر احکام اسلام، از حقوق مسلم زن بر شوهر خویش، مسکنی نسبتاً مستقل و متناسب با شأن و موقعیت اجتماعی اوست. در روایات و فتاوی مراجع^(۱۵۴) آمده است که اگر مردی همسرش را طلاق داد تا اتمام مدت عدّه، حق ندارد او را از مسکن محروم سازد و زن می‌تواند در منزل شوهر باقی بماند. همچنین اگر زنی در زمان طلاق حامله باشد، مرد باید مسکن او را تا وضع حمل تأمین کند.

۲-۵- حقوق والدین در مسکن

سوره نور آیه ۵۸ و ۵۹ خداوند متعال می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ

رسیده است، وقتی می‌خواهد به حضور مادر یا خواهر یا دخترش یا غیر اینان برسد، باید از آنان اجازه بگیرد، و اجازه با گفتن سلام حاصل می‌شود؛ چون سلام اطاعت رحمن است (کافی: جلد ۵، ص ۵۳۰، حدیث ۲). مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) پرسید: آیا هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمودند: آری (بحارالانوار: جلد ۱۰۱، ص ۳۸). صاحب جواهر الکلام به وجوب استیذان تصریح نموده، وی معتقد است آیه مورد بحث بر ایجاب دلالت دارد. ایشان به نقل از مجمع البیان در تفسیر آیه مزبور می‌نویسد که لزوم اذن در اوقات سه گانه اختصاص به اطفال دارد؛ لذا به مجرد اینکه اطفال از طفولیت خارج شدند و بالغ شوند، باید در تمام اوقات مانند افراد بزرگسال اذن بگیرد و لزوم اذن در تمامی اوقات از اموری است که مردم از آن غفلت دارند و در نزد آنان مانند شریعت منسوخ است. روایت صحیحی ابن قیس از امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه فوق آمده است که حضرت فرمودند: هر کدام از شما که به سن بلوغ رسیده باشد، نباید بر مادر، خواهر، دخترش و غیر ایشان جز با اذن وارد شود (جواهر الکلام: جلد ۲۶، ص ۲۴).

دو احتمال در این نوع روایات داده می‌شود یک احتمال اینکه خانه به معنای خانه‌ی مستقل باشد. احتمال دوم آن که خانه به معنای اتاق باشد، در هر صورت اجازه لازم است. بنابر احتمال دوم، استنباط می‌شود که مادر و ... برای استراحت، اتاق مستقل لازم دارند. در برخی روایات، نام برخی از اتاق‌ها نیز آمده است که به تناسب هر موضوع، به تبیین و تشریح آن می‌پردازیم. لازم به ذکر است، روایاتی وجود دارد که

نابالغ به هنگام ورود به اتاقهایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است، زیرا کودکان نابالغ طبق این آیات تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند، چون زندگی آنها با زندگی پدران و مادران آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند مشکل خواهد بود، و از این گذشته احساسات جنسی آنها هنوز به طور کامل بیدار نشده، ولی نوجوانان بالغ طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آنها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند. این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و گرنه وارد شدن در اتاق عمومی (اگر اتاق عمومی داشته باشند) مخصوصاً به هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند، و هیچگونه مانع و رادعی در کار نیست اجازه گرفتن لزومی ندارد. ذکر این نکته نیز لازم است که جمله "کما استاذن الذین من قبلهم" اشاره به بزرگسالان است که در همه حال به هنگام وارد شدن در اتاق موظف به اجازه گرفتن از پدران و مادران بودند، در این آیه افرادی را که تازه به حد بلوغ رسیده‌اند هم‌ردیف بزرگسالان قرار داده که موظف به استیذان بودند (تفسیر نمونه: جلد ۱۴، ص ۵۴۲).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر یک از شما که به سن بلوغ رسیده باشد، وقتی بر مادر و خواهر و خاله-اش و دیگران وارد می‌شود، از آنان اجازه بگیرد گرفتن اذن با سلام کردن حاصل می‌گردد، چرا که سلام طاعت خدای عز و جل است (کافی: جلد ۵، ص ۵۲۹).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که به حد بلوغ

جدول ۲- تفکیک اتاق فرزندان براساس روایات

موضوع	منبع	احادیث
تفکیک اتاق فرزندان از والدین	کافی، جلد ۶، ص ۴۷	امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: میان بستر خواب فرزندان پسر و مادرشان پس از ده سالگی آنان فاصله بیندازید.
تفکیک اتاق پسران از یکدیگر	کنز العمال، جلد ۱۶، ص ۴۴۲، حدیث ۴۵۳۳۶	رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: بستر فرزندان را از هفت سالگی از هم جدا کنید.
تفکیک اتاق پسران و دختران از یکدیگر	من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، ص ۲۸۳، حدیث ۴۵۰۹	امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: بستر دختر و پسر از ده سالگی از هم جدا شود.

۲-۵-۱- قلمروگرایی در فضاهای مسکن براساس

احادیث

با توجه به اصل «احداث خانه با حداکثر پوشش‌گری» و ابعاد شاخصی مزبور در ذیل آن که غالباً بر اصل عفت و حیاء مبتنی است، طراحی و احداث اتاق‌ها به طوری که از حداقل ورودی و خروجی برخوردار باشند از لوازم و حیای عمومی است. در برخی از گزارش‌های تاریخی درباره‌ی منازل اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عملکرد متناسب با این اصل به صورت اتاق‌های تو در تو و دهلیز انجام گرفته است. به عنوان نمونه، در خانه امام صادق (علیه السلام)، دهلیزها اتاق‌های منزل ایشان را به هم متصل می‌کرد (کافی: جلد ۱، ص ۴۷۵). و عملکرد متناسب با این شاخص در منزل امام رضا (علیه السلام) نیز به صورت اتاق‌های درونی و اندرونی (تو در تو) شکل گرفته بود (کافی: جلد ۱، ص ۴۸۷). علاوه بر اقتضائات حیاء ابعاد بهداشت و سلامت نیز در تعریف چنین عملکردی به عنوان مبنا تلقی می‌شود؛ به طوری که امام رضا (علیه

بستر فرزندان را از شش یا هفت یا ده سالگی جدا کنید. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم. با توجه به این دسته از روایات و با تکیه بر اصل عفت و حیا که اصل مهمی در تربیت فرزندان به شمار می‌رود، تفکیک اتاق خواب آنان بهترین زمینه و عامل برای تحقق این مطلوبیت خواهد بود. از این رو تفکیک اتاق فرزندان، لازمه اخلاقی و عقلایی تفکیک بستر خواب آنان است. بنابراین، تعریف اتاق‌های خواب متعدد و متفاوت برای فرزندان دختر و پسر در معماری و طراحی منازل اسلامی امری ضروری خواهد بود. بر این اساس، دو نوع تفکیک در اینجا مطرح است: ۱- تفکیک اتاق پسران از دختران، که در بعد شاخصی مستقل بشمار می‌آیند و البته اگر اختصاص اتاق برای هر یک از فرزندان امری ناممکن و دشوار باشد باید حداقل اتاق دختران از پسران تفکیک شود و در این صورت شاخص تفکیک اتاق پسران از هم به شرط وسعت کافی در منزل وابسته خواهد بود.

السلام^۴) ورود و خروج بلافاصله از اتاق را در تابستان و زمستان عاملی برای عارض شدن بیماری بیان نموده است (بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الاثمه الاطهار: جلد ۵۹، ص ۳۲۵)، که راهکار پرهیز و دوری از آن، تعبیه درب‌ها و به اصطلاح فیلترهای دهلیزی متعدد است. تداخل اتاق‌ها به نوعی با تعداد اتاق‌های متناسب با کاربری‌ها تلازم دارد که تفکیک اتاق‌ها را به دنبال دارد.

۲-۵-۲- سازمان فضایی مسکن و روابط خانوادگی در اسلام

خانه به عنوان محفل اصلی خانواده نیازمند سازمان فضایی ویژه‌ای است. خانواده نظامی است با مجموعه‌ای از روابط درونی و بیرونی و خانه به عنوان محل سکونت آن نیازمند تفکیک فضاها به تناسب نوع فعالیت‌ها و روابط افراد خانواده درون است. بنابراین طراحی خانه به ویژه به لحاظ تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی و نوع رابطه‌ی این فضاها با یکدیگر، بسیار حایز اهمیت است. شناخت سازمان فضایی خانه طبق مؤلفه‌های مورد نیاز روابط خانوادگی معرفی شده در اسلام موضوع مهمی است که بر شکل‌دهی به سبک زندگی و تحقق ارزش‌های فرهنگی متناسب با فرهنگ دینی جامعه‌ی ایران اثرگذار است. تأثیر فرهنگ جهانی‌بینی و ارزش‌ها بر طراحی موضوعی است که تاکنون توسط محققان و طراحان بسیاری بررسی شده است. تعریف انسان و نیازهای او مبتنی بر نوع جهان‌بینی است. انسان و نیازهای او طبق نظر محققان، عامل اصلی در طراحی فضا و روابط میان آن است که چنان چه به درستی صورت گیرد می‌تواند در خلق محیط‌های بهتر راهگشا باشد. طیف متنوع نیازهای انسان از

نیاز به خلوت و قلمروپایی تا تماس اجتماعی و تعامل با دیگران در روابط درونی افراد خانواده، طراحی خانه را به ویژه به لحاظ سازمان فضایی و نحوه استقرار فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی درون خانه و در کنار یکدیگر بسیار حساس و قابل تأمل می‌سازد (نقره‌کار و دیگران: ۱۳۹۴، ۶).

الف) رعایت حقوق متقابل در روابط خانوادگی

ساختار خانواده از عوامل مهم طراحی داخل خانه است. رابطه‌ی زن و مرد و رابطه‌ی فرزندان با والدین در خانواده براساس حقوق متقابل تنظیم می‌شود. خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «زنان را بر مردان حقوقی شایسته است هم‌چنان که مردان را بر زنان حقوقی است» (بقره، ۲۸۸). رسول خدا (ص) فرموده است: «فرزند بر پدر و مادر حقوقی دارد، مانند حقوقی که پدر و مادر بر فرزند دارند». (میزان الحکمه: ۱۳۷۹، ۵۰۹). امیرالمؤمنان علی (ع) فرمود: «خدای سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خود مقدم داشته است. پس هر که حقوق بندگان را ادا کند، این امر به ادای حقوق خداوند منجر خواهد شد» (الواسطی: ۱۳۷۶، ۲۲۳). خداوند متعال حقوق و تکالیف را متقابل نهاده و از همگان خواسته که خود را پایبند به رعایت آن کنند. «پس خدای سبحان برخی از حق‌های خود را برای بعضی مردم واجب ساخت، و آن حق‌ها را برابر هم نهاده و واجب شدن حقی را مقابل گزاردن حقی گذاشت، و حقی بر کسی واجب نبود مگر حقی که برابر آن است گزارده شود» (سید-رضی، قرن چهارم هجری). اعضای هر خانواده نیازهای گوناگونی دارند که تأمین درست، معتدل و به موقع آن نیازها در تحقق روابط سالم و پر نشاط و رشد

تعقیب می‌شوند. پس «محبت و مودت» نیز از جمله اهداف ازدواج هستند که در قالب روابط خانوادگی (بینکم) قرار می‌گیرند. زن و مرد در زندگی خانوادگی نیازهای متنوعی دارند که خانه می‌تواند زمینه‌ساز تأمین نیازها باشد. زن و مرد در خانه لازم است احساس آزادی کنند، بتوانند به میل خود رفتار نمایند و احساس ناامنی نکنند، خود را اسیر و محصور ندانند و فضای خانه را بر خود بسته یا تنگ نبینند. زن و مرد و فرزندان به بودن لطیف و صمیمی با یکدیگر نیاز دارند و این‌که اوقاتی را با هم باشند و با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازند و ارتباط کلامی و عاطفی و روحی داشته باشند لازم است. مودت و رحمت، رعایت حقوق متقابل زن و مرد، تأمین نیازها و ... از مؤلفه‌های میان روابط دو همسر به‌شمار می‌رود (دلشاد تهرانی: ۱۳۸۸، ۲۰۲).

ج) رابطه‌ی فرزندان با یکدیگر

رابطه‌ی متقابل فرزندان با یکدیگر نیز موضوع مهمی است که سازمان فضایی خانه می‌تواند شرایط لازم را برای این ارتباطات فراهم سازد. فرزندان در خانواده و در روابط متقابل خود به تدریج آماده‌ی جامعه‌پذیری می‌شوند. آن‌ها از یکدیگر برخی الگوهای رفتاری چون وفاداری، حمایت، اختلاف، تسلط‌جویی و رقابت را می‌آموزند. مودت و رحمت، بازی و همزبانی، احترام از مؤلفه‌های موجود در روابط میان فرزندان با یکدیگر از نظر اسلام است. در مواردی که خواهران و برادران از الگوهای رفتاری مناسب بهره‌مند بوده باشند، به افرادی قابل اعتماد و سرچشمه‌ی اتکای روحی همدیگر تبدیل می‌شوند، نوعی صمیمیت ویژه میان آن‌ها ایجاد می‌شود، همدیگر را محرم راز خود می‌دانند و با سهولت بیشتری مسائل خود را با یکدیگر

دهنده نقش اساسی دارد. زن و مرد نیازهای مادی، عاطفی، روحی، امنیتی، جنسی و جز این‌ها دارند که شناخت این نیازها و تأمین آن‌ها در زندگی خانوادگی مهم است. فرزندان نیز نیازهای مختلفی دارند که شناخت آن نیازها و تأمین صحیح آن‌ها در رشد و سلامت آنان نقش محوری دارد. در نگاه رسول خدا (ص) بهترین اشخاص در زندگی خانوادگی کسانی هستند که نیازهای اعضای خانواده را دریابند و به درستی تأمین نمایند: «مردمان همگی خانواده خدایند، پس محبوب‌ترین مردمان نزد خداوند سودمندترین آنان برای خانواده‌اش است» (حرعاملی: بی‌تا، ۵۶۶). مودت و رحمت، حقوق متقابل، همکاری و ... از نیازهای افراد خانواده در زمینه‌های مادی و معنوی هستند. از نیازهای فرزندان که به‌ویژه می‌تواند بر سازمان‌دهی و روابط فضایی خانه مؤثر باشد: محبت به فرزندان، بازی و همزبانی با فرزندان، احترام و تکریم آنان است.

ب) رابطه‌ی دو همسر

قرآن کریم با انتساب «آرامش و سکون» به ازدواج، آن را هدف مستقیم ازدواج بیان می‌نماید: «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم، ۲۱). بر طبق این معنا هدف از ایجاد زوجیت با همسرانی از جنس خود، همانا «آرامش و سکون» است؛ ولی آن‌گاه که از مودت و رحمت به عنوان اهداف بعدی نام می‌برد، آن‌ها را در یک ظرف ارتباطی می‌جوید و لذا با لفظ «بینکم» این هدف را بیان می‌کند. از این شکل بیان می‌توان به دست آورد که «آرامش و سکون» هدف مستقیم و «محبت و مودت» هدف غیر مستقیم ازدواج هستند و در یک شکل ارتباطی خاص، به نام خانواده

در میان می‌گذارند. معماری خانه می‌تواند با ایجاد فضاهای گفت‌وگو در عین حفظ استقلال هر یک از فرزندان، اصلی‌ترین مکان برای شکل‌گیری این نوع روابط اثرگذار میان فرزندان باشد (بهشتی، ۱۳۸۵).

۲-۵-۶- تجلی حقوق در سازمان فضایی مسکن

سنتی

به منظور تحقق روابط خانوادگی به کارگیری مؤلفه‌های کالبدی حریم بصری، ارتباط بصری، دسترسی و سلسله مراتب میان عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی با یکدیگر و نیز مابین فضاهای هر یک از آن‌ها ضروری است. اتاق‌ها که شامل شاه‌نشین، پنج-دری، سه‌دری و پستو (به ترتیب بخش عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و کاملاً خصوصی) می‌شوند؛ با وجود اینکه از حیاط دسترسی به عنوان یک عنصر مستقل در خانه‌های سنتی است و حریم آن با اختلاف سطح به اندازه یک پله پایین‌تر از دالان، تفکیک گردیده است. همه‌ی فضاها در اطراف حیاط سازماندهی شده و حیاط در دل بنا قرار دارد. در خانه‌های سنتی با وجود اینکه همه‌ی فضاها در چهار وجه حیاط سازماندهی شده‌اند ولی حریم هر فضا کاملاً مشخص شده است و فضاها از حیاط تفکیک شده‌اند. این تفکیک فضایی با اختلاف ارتفاع، وجود ایوان، پیش-فضا و تنوع مصالح مشخص گردیده است. برای حفظ حریم هر چه بیشتر در خانه‌های گذشته، معمولاً دو حیاط اندرونی و بیرونی وجود داشته است که حیاط اندرونی برای استفاده‌ی اهل خانه و حضور محارم و حیاط بیرونی برای حضور افراد غریبه‌تر و مهمان‌ها بوده است (مسائلی: ۱۳۸۸، ۳۲). شاه‌نشین، فضای مربوط به حضور مهمانان است؛ لذا در امتداد محور

اصلی حیاط قرار دارد. این اتاق از نظر تنوع مصالح بسیار پرکار است و با آینه‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها و تزیینات چوبی کاملاً شاخص شده و بسیار چشمگیر است؛ به طوری که هر کس وارد حیاط شود در ابتدا متوجه این فضا می‌شود. این اتاق با اختلاف ارتفاع چند پله از حیاط جدا می‌شود و ورود به آن توسط دو راهرو در اطراف آن صورت می‌گیرد. این اختلاف سطح و وجود پیش‌فضا، باعث می‌شود که به یکباره از حیاط، وارد فضای اتاق نشده و حریم اتاق از حیاط، تفکیک شود. عواملی که باعث افزایش حریمیت پنج-دری‌ها- اتاق نیمه عمومی که به عنوان نشیمن و گاهی پذیرایی مهمان‌های نزدیک‌تر استفاده می‌شدند-نسبت به شاه‌نشین می‌شوند؛ عبارت‌اند از: قرارگیری این اتاق‌ها در ضلع شرقی و غربی ساختمان به صورت کاملاً قرینه که این قرینگی باعث جلب توجه کمتر به پنج‌دری‌ها و شاخص شدن شاه‌نشین می‌شود و وجود ایوان به عنوان پیش‌فضا که کاربرد اقلیمی نیز، دارد. این عوامل علاوه بر ایجاد حریم دیداری، حریمیت شنیداری ایجاد می‌کردند. به این صورت که اتاق‌هایی که ارتفاع کمتری داشتند؛ صدا را در خود حبس و کمتر به بیرون منتقل می‌کردند. همچنین وجود پیش‌فضا و سلسله مراتب قبل از اتاق‌ها، به عبور کمتر صدا به بیرون از فضای اتاق، کمک کرده است. در اتاق‌های سه‌دری این خانه‌ها این تفاوت نسبت به سایر خانه‌ها وجود دارد که در همه‌ی خانه‌های سنتی، ابتدا وارد سه‌دری و بعد پستویی کاملاً خصوصی شده که هیچ ارتباط و نورگیری مستقیمی برای آن وجود ندارد. اما در بعضی خانه‌ها اهمیت حریمیت سه‌دری بیشتر از پستو است به طوری که ابتدا وارد پستو شده و بعد از

آن‌ها بر حریم آن تاکید می‌کند. این اتاق‌ها دارای ابعادی تقریباً نصف پنج‌دری‌ها و ارتفاعی کمتر از بقیه اتاق‌ها، هستند و این به افزایش حریم و خصوصی‌تر شدن فضا، کمک می‌کند.



شکل ۸- اتاق سه دری و تختگاه‌های اطراف آن. خانه روحانیان یزد، مأخذ: (نگارنده)

طریق آن به سه‌دری راه دارد و درهای سه‌دری فقط به عنوان پنجره استفاده می‌شدند و ورودی مستقیمی به آن‌ها وجود ندارد. سه‌دری‌ها به صورت قرینه بنا هستند و یک عقب نشستگی و ایوان مشترک در جلوی



شکل ۷- نمای اصلی اتاق پنج دری و سه دری. خانه مرتاض یزد، مأخذ: (نگارنده)

درهای بین اتاق‌ها، استفاده از مصالح عایق صدا در محل‌های خصوصی‌تر خانه، مانند پستو، افزایش ضخامت دیوارهای اتاق پستو، عدم وجود گشودگی در اتاق پستو، قرارگیری اتاق پستوی چسبیده به دیواره بیرونی بنا، استفاده از سلسله مراتب فضایی در پیش-ورودی تمامی اتاق‌ها.

۲-۵-۷- حقوق مهمان در مسکن

در سوره مؤمنون آیه ۲۹ خداوند متعال می‌فرماید: *وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ*. و بگو پروردگارا مرا در جایی پر برکت فرودآور که تو نیکترین مهمان نوازی.

در این آیات به نوح تعلیم می‌دهد که بعد از اینکه او و همه مؤمنان در کشتی جایگیر شدند خدا را به واسطه این نعمت که آنها را از شر ستمکاران نجات داد، حمد

به طور کلی به منظور ایجاد حریم بصری و فراهم نمودن شرایط اذن برای ورود به اتاق خصوصی ویژگی‌های زیر در سازماندهی فضایی مسکن سنتی رعایت شده است: قرارگیری درب ورودی اتاق‌ها در فضای تقسیمی عمود بر محور اصلی حیاط، استفاده از پنجره‌های بزرگ‌تر و بیشتر در شاه‌نشین و پنجره‌های کوچک‌تر در سه‌دری و پنج‌دری‌ها، وجود قاب‌های مشبک چوبی با تقسیمات ریزتر از ابعاد پنجره در اتاق‌های خصوصی خانه جهت جلوگیری از دید مستقیم افراد از حیاط به اتاق‌ها، تورفتگی پنجره‌های سه‌دری و پنج‌دری نسبت به نما، قرار گرفتن اتاق‌های سه‌دری در محوری جداگانه از فضاهای عمومی خانه، تعریف پیش‌فضاهای ورودی و ایوان در جلوی اتاق‌ها، ترکیب کردن اتاق سه‌دری و پستو و تفکیک آن‌ها توسط

ضرورت ملاقات دوستان و احوال‌پرسی از یکدیگر در خانه است (کلینی: ۱۳۷۲، ۱۰۷). در این صورت، ملاقات دوستان و مؤمنان کاری است برای رضای خدا. جمله «مهمان حبیب خدا است» نیز گفته‌ای جاری و پذیرفته شده در بین مسلمانان است، زیرا او برای رضای خدا به ملاقات دوستش رفته است، پس خدا او را دوست دارد و در نتیجه، باید به گرمی پذیرفته شود (همان: ۱۳۷۲، ۱۳۷). اسلام مهمان‌نوازی را برای حفظ روابط مستحکم خانوادگی، همسایگی و اجتماعی بسیار ترغیب می‌نماید. دید و بازدید پیوند بین مردم را تقویت می‌کند و در زندگی اجتماعی از ارزش‌های والایی برخوردار است. در حوزه عمومی خانه، وجود مکان‌هایی برای پذیرایی از مهمانان ضروری است. این ضرورت از تکلیف حفظ روابط قوی با اعضای جامعه (یعنی همسایگان، خویشاوندان غیر ساکن و دوستان) نشأت می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) وقتی خانه وسیع، علابن زیاد را دیدند به او فرمودند: این خانه وسیع در دنیا به چه کار تو می‌آید وقتی در آخرت به آن محتاج‌تری؟ اگر بخواهی می‌توانی به وسیله چنین خانه‌ای به آخرت دست یابی به شرط آن که در این خانه از مهمان پذیرایی کنی؛ به خویشاوندان رسیدگی کنی و حقوق آن را بگزاری (میزان الحکمه: ۱۳۸۶، ۳۲۷۲). از جمله موارد تطابق معماری خانه با فرهنگ اسلامی را می‌توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد، زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است تا به دستور اسلام در تکریم و اختصاص بهترین

و ستایش گوید و نیز تعلیم می‌دهد، تا از خدا بخواهد که او را از طوفان نجات بخشد و در زمینی مبارک و دارای خیر کثیر و ثابت فرود آورد و در مقام ستایش، خداوند را بهترین منزل دهندگان بخواند. واژه منزل ممکن است اسم مکان باشد، یعنی بعد از پایان گرفتن طوفان، کشتی ما را در سرزمینی فرود آور که دارای برکات فراوانی باشد و ما بتوانیم با آسودگی خاطر به زندگی خود ادامه دهیم. و نیز ممکن است مصدر میمی باشد، یعنی ما را به طرز شایسته‌ای فرود آر، چرا که بعد از پایان گرفتن طوفان به هنگام نشستن کشتی بر زمین، خطرات زیادی این سرنشینان را تهدید می‌کرد، نبودن جای مناسب برای زندگی، کمبود غذا، انواع بیماریها، نوح از خدا می‌خواهد که او را به نحوی سالم و شایسته بر زمین فرود آورد (تفسیر نمونه: جلد ۱۴، ۲۳۲).

رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرموده است: برای هر چیزی زکاتی است و زکات خانه به داشتن اتاق پذیرایی است (نهج الفصاحه: حدیث ۲۲۵۸، ص ۶۳۲). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: هر خانه‌ای که مهمان را بدان راه نیست، فرشتگان به آن خانه رفت و آمد نمی‌کنند (جامع الاخبار: شعیری، ص ۱۳۲). همچنین فرموده است کسی که مهمانی ندهد، خیری ندارد (جامع الصغیر: جلد ۲، ص ۷۴۷، حدیث ۹۸۸۳).

۲-۵-۱- تجلی حقوق مهمان در مسکن سستی

یکی از روش‌های گسترش دوستی در جامعه اسلامی، دیدار با یکدیگر در خانه و مهمان‌نوازی صاحبخانه است. الگوی عملی ارتباط شایسته بین مؤمنان را پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ذکر کرده‌اند که از آن جمله،

خانه در میان دیوارهای ساده بدنه نما، دید را به سوی در فراخوانده و نمادی از مهمان‌نوازی ایرانیان است. همچنین قرارگیری دو سکو در طرفین ورودی و اطراف هشتی فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز مهمانان و تازه‌واردان ایجاد می‌کند (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹).

مکان خانه به او عمل شود. لذا این اصل در خانه‌های سنتی ایران به خوبی رعایت شده است و همواره بخشی از خانه به پذیرایی از مهمان اختصاص یافته است. این بخش در نزدیکی درب ورودی بوده و از قسمت مخصوص اعضای خانواده جدا می‌باشد (تصویر ۹). رعایت اصل مهمان‌پذیری در ورودی خانه‌های سنتی ایران نیز مشهود است. تزیینات سر در



خانه آل یس کاشان دارای یک حیاط بیرونی و یک حیاط اندرونی است. حیاط بیرونی با یک ورودی مشخص و فضاهای پذیرایی نزدیک به راهرو متصل به هشتی. (فضای پذیرایی با لکه تیره مشخص شده است). حیاط بیرونی و دو حیاط اندرونی که حیاط کوچکتر از آن خدمه است. حیاط بیرونی با یک ورودی مشخص و فضاهای پذیرایی نزدیک به راهرو متصل به هشتی. (فضای پذیرایی با لکه تیره مشخص شده است).

شکل ۹- نظام ورود به خانه با هدف پذیرایی از مهمان و توجه به مسدود کردن دید به داخل و رعایت حریم خصوصی. مأخذ: (نگارنده)

۲-۵-۸- حقوق ساخت و ساز شهری

نمی‌توانست از خویش دفاع نماید. مسأله "خسف" که در اینجا به معنی فرو رفتن و پنهان گشتن در زمین است، بارها در طول تاریخ بشر واقع شده است که زمین لرزه شدیدی آمده و زمین از هم شکافته شده و شهر یا آبادی‌هایی را در کام خود فرو بلعیده است، ولی این خسف با موارد دیگر متفاوت بود، طعمه

در سوره قصص آیه ۸۱ خداوند متعال می‌فرماید: فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِيئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ. پس ما، او و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم و هیچ گروهی نبود که او را در برابر قهر خداوند یاری کند و خودش نیز

اصلی او فقط قارون و گنجهای او بود. قارون بعد از پیروزی موسی بر فرعونیان ایمان اختیار کرد، و به سرعت تغییر چهره داد و با زبردستی خاصی که ویژه این گروه است خود را در صف قاریان تورات و آگاهان بنی اسرائیل جا زد، در حالی که بعید است ذره‌ای ایمان در چنین قلبی نفوذ کند. سرانجام هنگامی که موسی (علیه‌السلام) تصمیم گرفت زکات از او بگیرد پرده از چهره‌اش کنار رفت، و قیافه زشت و منحوسی که در پشت ماسک فریبنده ایمان داشت بر همگان ظاهر شد، و دیدیم که این مرد منافق عاقبت کارش به کجا منتهی گشت. اگر قارون با اطرافیانش و تمام ثروتش به قعر زمین فرو رفت و نابود شد دیگران که مال و ثروت از راه حرام و نامشروع به دست می‌آورند به اشکال دیگری نابود می‌شوند، و گاه حتی زمین، ثروتشان را به شکل دیگری می‌بلعد، یعنی ثروت‌های عظیم خود را تبدیل به کاخها، باغها و زمین‌هایی می‌کنند که هرگز از آن استفاده نخواهند کرد، و گاه حتی اموال خود را می‌دهند و زمینهای بایر و موات را خریداری می‌کنند، به این خیال که آن را تقسیم کرده و به قیمت‌های گزافی بفروشند و به این ترتیب، زمین ثروتشان را می‌بلعد! (تفسیر نمونه: جلد ۱۶، ص ۱۷۵). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: از بکار بردن مصالحی که از مال حرام تهیه شده در ساختمان بپرهیزید (نهج الفصاحه: حدیث شماره ۳۸). امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: سنگ غصبی در بنای خانه، مایه‌ی ویران شدن آن است (وسائل الشیعه، جلد ۲۵: ص ۳۸۶، ۳۲۱۹۱). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: مال حرام رشد و نموی ندارد و اگر داشته باشد برکت ندارد (کافی:

جلد ۵، ص ۱۲۵). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: اگر خدا اراده کند که بنده‌ای را خوار نماید، مالش را در بنای ساختمان هزینه می‌کند (مستدرک الوسائل: جلد ۳، ۴۵۵). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: در بنای ساختمان از گناه بپرهیزید، زیرا گناه اساس خرابی است (مستدرک الوسائل: جلد ۳، ۴۷۲). امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: همین که انسان مال حرامی را به دست آورد، خداوند یکی از این قطعات زمین را بر او مسلط می‌کند تا ثروت خود را در آنجا خرج کند (کافی: جلد ۶، ۵۳۲). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: از به کار بردن سنگ حرام در ساختمان دوری کنید زیرا این کار باعث ویرانی ساختمان است (نهج الفصاحه: حدیث شماره ۱۲۵۸، ص ۲۲۳). رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: در ساخت و ساز بنای خانه و هم در خرید خانه ولیمه بدهید (من لا یحضره الفقیه: جلد ۴، ص ۳۵۶، حدیث ۵۷۶۲).

۲-۶- نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی آیات و روایات می‌توان براساس جدول ذیل به ۵ اصل اساسی به عنوان معیارهای مؤثر بر کالبد مسکن به همراه توصیه‌های طراحی با محوریت حقوق اسلامی در مسکن اشاره نمود.

جدول ۳- تحلیل اصول و معیارهای مسکن مطلوب براساس آیات و روایات با تأکید بر حقوق اسلامی

نشانی آیه	پیام و نکته‌ها	تجلی اصول در کالبد مسکن	توصیه‌های طراحی مسکن براساس آموزه‌های اسلامی
سوره نساء آیه ۳۶	<p>- «الجار ذی القربی و الجار الجنب»، شامل همسایه‌ی فامیل و غیر فامیل، هم عقیده و غیر هم عقیده نیز می‌شود. به گفته‌ی روایات تا چهل خانه از هر طرف، همسایه‌اند یعنی در مناطق کوچک، همه همسایه‌اند.</p> <p>- «الصاحب بالجنب»، شامل رفقای دائمی یا موقت، رفقای سفر، یا آنان که به امید نفعی سراغ انسان می‌آیند، می‌شود.</p> <p>- خداپرست واقعی باید نسبت به بستگان، محرومان و همسایگان خود، متعهد و مسئول باشد «اعبدواالله... ذی القربی و الیتامی».</p> <p>- همسایگان دور نیز بر انسان حق دارند «الجار الجنب».</p> <p>- ارج نهادن به همسایگان در جوار خانه و رعایت حقوق همسایگی از اهمیت بالایی برخوردار است.</p>	حقوق همسایگی در مسکن	<p>- رعایت ارتفاع و رعایت حقوق اقلیمی و حداقل اشرف.</p> <p>- در ساخت خانه کرامت همسایه اهمیت دارد.</p> <p>- عدم فخر فروشی به همسایه و حق شفعه (حق تقدم خرید) از اصول اساسی همجواری همسایگی در نظر اسلام است.</p> <p>- اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه.</p> <p>- روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری.</p> <p>- در نظر گرفتن رعایت حق همسایگان حتی همسایگان دور و غیر دینی.</p>
سوره طلاق آیه ۶	<p>- تأمین مسکن زن حتی بعد از طلاق تا مدت‌ها بر عهده مرد است. «اسکنوهن»</p> <p>- مسکن زن مطلقه باید در همان مکانی باشد که مرد در آن سکونت دارد. (جدایی و طلاق نباید سبب جدایی مسکن شود).</p> <p>«من حیث سکنتم»</p> <p>- مرد، حق ندارد برای صرفه جویی، انتقام و تحقیر، جای نامناسبی را برای سکونت زن انتخاب کند و همسر مطلقه را مجبور به سکونت در آن محل کند.</p> <p>«من حیث سکنتم»</p> <p>- در انتخاب مسکن، باید به سکینه و آرامش زن توجه شود، نه آنکه فقط سرپناه داشته باشد.</p>	حقوق زن در مسکن	<p>- فراهم نمودن فضاها متناسب با نیاز زنان در خانه.</p> <p>- ایجاد اتاق مجزا برای زنان خانه.</p> <p>- طراحی داخلی اتاق زنان با سلیقه بانوی خانه.</p> <p>- اهمیت تأمین مسکن مناسب.</p> <p>- فضاهای مسکن متناسب با نیازهای زن و شوهر.</p> <p>- توجه به سکینه و آرامش زن در مسکن.</p> <p>- کمیت و کیفیت مسکن متناسب با مقدار توانایی مرد.</p>

		<p>«اسکنوهن من حیث سکنتم» (تعبیر به مسکن که از سکینه است به جای بیت، دلالت بر همین معنا دارد).</p> <p>- ملاک در انتخاب مسکن از نظر کمیّت و کیفیّت، مقدار توانایی مرد است، نه میزان توقّع و تقاضای زن.</p> <p>«من وجدکم».</p> <p>- جایگاه زن یا خانه است یا بیرون خانه بدون خود نمایی.</p> <p>«قرن فی بیوتکن و لا تبرجن» (سوره احزاب آیه ۳۳).</p>	
--	--	--	--

<p>- قلمروگرایی در مسکن.</p> <p>- مجزا بودن فضای خواب والدین از فرزندان</p> <p>«لیستأذنکم»</p> <p>- مجزا بودن اتاق خواب فرزندان از همدیگر.</p> <p>- داشتن حریم برای فضاهای تفکیک شده داخلی.</p> <p>«لیستأذنکم»</p> <p>- زمینه‌سازی محیط خانه برای پاکدامنی، تربیت و آموختن آداب اسلامی.</p> <p>«لیستأذنکم»</p> <p>«الذین لم يبلغوا الخُلُم»</p> <p>«کما استأذن الذین من قبلهم»</p> <p>- آسایش و راحتی در فضاهای داخلی مسکن.</p> <p>«تضعون ثيابکم»</p> <p>- نقش دعوت کنندگی فضای ورودی.</p> <p>«فاذا دخلتم بیوتاً فسلموا»</p>	<p>حقوق والدین در مسکن</p>	<p>- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند.</p> <p>«یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم»</p> <p>- محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد، وگرنه نیاز به اذن نبود.</p> <p>«لیستأذنکم»</p> <p>- کودکی و بردگی بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لیستأذنکم»</p> <p>- مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند.</p> <p>«لیستأذنکم»</p> <p>- کودکان نیز تکلیف دارند.</p> <p>«لیستأذنکم ... الذین لم يبلغوا الخُلُم»</p> <p>- اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین (که در همین آیه آمده است) و هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد.</p> <p>- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند.</p>	<p>سوره نور آیه ۵۹ و ۵۸</p>
--	----------------------------	---	-----------------------------

		«لیستأذنکم» - تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم «الذین لم یبلغوا الخُلم»	
<p>- ارج نهادن به مقام مهمان به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول اخلاقی در اسلام است.</p> <p>- اختصاص دادن فضایی در خانه برای آسایش مهمان به عنوان یکی از حقوق افراد است.</p>	حقوق مهمان در مسکن	<p>- مهمان، محترم است.</p> <p>- مهمان، وقتی وارد شد، سلام کند.</p> <p>- جواب سلام او لازم است.</p> <p>- از مهمانان ناشناس نیز پذیرایی کنیم.</p> <p>- میزبان باید نسبت به پذیرایی از میهمان و حالات او حساس باشد.</p>	سوره مؤمنون آیه ۲۹
<p>- حلال بودن هزینه ساخت و ساز.</p> <p>- غصبی نبودن زمین و مصالح مورد استفاده.</p> <p>- دادن ولیمه برای نزول برکت و دفع بلا از بنا و اهل آن.</p>	حقوق ساخت و ساز بنا	<p>- انسان می‌تواند در دو قوس حرکت کند: قوس صعودی که به معراج رسد و قوس نزولی که به زمین فرو رود.</p> <p>- نتیجه ظلم، هلاکت است «فبغی علیهم... فحسبنا به».</p> <p>- زمین، گاهی مأمور قهر خداوند است «فحسبنا به و بداره الارض».</p> <p>- سرانجام ثروت‌اندوزی، بخل، غرور و هلاکت است «فحسبنا به و بداره الارض».</p> <p>- ثروت، وسیله‌ی نجات نیست «ما کان من المنتصرین».</p>	سوره قصص آیه ۸۱

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالقرآن کریم، تهران ۱۳۷۶.
- الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس‌المحیط، موسسه الرساله، بی‌تا، بیروت.
- اللیثی الواسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و الواعظ، دارالحديث.
- امامی، سید حسن، حقوق مانی، ج ۱، ص ۱۳۵؛ ج ۴، ص ۴.
- امین‌پور احمد، حیاتی، حامد و رامین مدنی، (۱۳۹۶)، روش‌شناسی استخراج و استنباط صحیح از آموزه‌های اسلامی برای دریافت راهبردهای طراحی بر مبنای اصول اخلاقی و ایمانی (نمونه موردی: طراحی مسکن اسلامی)، فصلنامه پژوهش‌های اخلاق، انجمن معارف اسلامی، شماره ۶، زمستان.

- امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد، (۱۳۹۴)،
بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس
آموزه‌های اسلامی، نشریه مدیریت شهری، شماره
چهلیم، ۱۳۹۴، ص ۶۰-۴۷.
- امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد، (۱۳۹۶)،
بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در
کالبد مسکن سنتی، نمونه موردی: اقلیم گرم و
خشک ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره
۴۸.
- بهشتی، احمد، (۱۳۸۵)، خانواده در قرآن، موسسه
بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات
اسلامی حوزه علمی قم.
پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج‌الفصاحه، دنیای دانش،
ج ۲، تهران.
- پورطهماسبی، سیاوش و آذر تاجور، حقوق و تربیت
شهروندی در نهج‌البلاغه، پژوهش‌نامه علوی،
سال دوم شماره دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، صص ۱-۲۳.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، فلسفه حقوق بشر، قم،
اسراء، ص ۷۵.
- خر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعه،
تصحیح موسسه آل‌البیت (ع)، موسسه آل‌البیت
(ع)، قم.
- حمزه لوئی، حسن، (۱۳۹۰)، ماهیت حقوق شهروندی
و سابقه آن در ایران، همایش ملی نظارت قضایی
و حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی
ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
کرمانشاه.
- دستمالچیان، احمد، (۱۳۹۰)، کلیاتی راجع به حقوق
شهروندی، وزارت کشور، اداره صیانت از حقوق
شهروندی، بخشنامه برنامه‌های اداره صیانت از
حقوق شهروندی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۸)، سیره نبوی، منطق
عملی، دفتر چهارم: سیر خانوادگی، انتشارات
دریا، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۴۲
واژه «حق».
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه
مفردات راغب، ترجمه غلامرضا خسروی
حسینی، مرتضوی، ج ۲، تهران.
- ری شهری، محمد، (۱۳۷۳)، میزان الحکمه، دار
الحدیث، قم.
- سلیم حکیم، بسیم، (۱۳۸۱)، شهرهای عربی اسلامی:
اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمد
حسین ملک احمدی، و عارف اقوامی مقدم،
انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ
اول، تهران.
- سید عبدالحسین، طیب، (۱۳۸۶)، تفسیر اطیب البیان
فی تفسیر القرآن، مؤسسه سبئین، قم.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع‌الأخبار، بی‌تا، نجف
اشرف.
- شیخ صدوق، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم،
دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- فیض کاشانی، (۱۴۰۲ق)، تفسیر الصافی، الطبعة الثالثة،
بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- کاتب واقدی، محمد بن سعد، (۱۳۷۴)، طبقات کبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱، ص ۴۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، تهران.
- لنگرودی جعفری، محمدجعفر، (۱۳۷۱)، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۱۲.
- لويس معلوف، المنجد فی اللغة، ص ۱۴۴، واژه «حق».
- متقی هندی، علاءالدین علی، (۱۴۱۹ ق)، کنز العمال فی سنن القوال و الافعال، تصحیح محمود عمر - الدمیاطی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الطهاره، بیروت.
- محمد رضا بمانیان، ارجمندی، سحر، علی محمدی، فرزانه، (۱۳۹۲)، تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه های ایرانی - اسلامی)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوازدهم، تابستان.
- مدرس، علی اصغر، (۱۳۷۵)، حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل، ص ۲۷ از مکتب های حقوقی در حقوق اسلام.
- مرتضی، هشام، (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مصباح، محمدتقی، (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، نگارش محمد مهدی نادری و محمد مهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ص ۲۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، اول، تهران.
- منجزی، نو محمد و علی محمد رفیعی، (۱۳۸۹)، نو شهر اسلامی و عامل عدالت (اصول و ضوابط حاکم بر احداث و ارزیابی)، همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، قم.
- نائینی، میرزا محمدحسین، (۱۴۱۸)، منیه الطالب، نگارش موسی نجفی خوانساری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۱۰۶.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی - علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، بی تا، هفتم، بیروت.
- نقره کار، عبدالحمید و همکاران، (۱۳۹۴)، بازخوانی سازمان فضایی خانه براساس متون اسلامی به روش EBS، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲۲، ص ۱-۲۱.
- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، شهرسازی و معماری اسلامی (مبانی نظری)، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، اصفهان.
- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (ع)، مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی